

متن پرسش

با عرض سلام و وقت بخیر: ۱. من به تازگی با سیر مطالعاتی شما آشنا شده‌ام و کتاب‌های «جوان و انتخاب بزرگ» و «آشتی با خدا» را مطالعه کرده‌ام و برخی از حقایق برایم روشن شده است و دیدم نسبت به دنیا و مرگ تا حدودی تغییر کرده‌ام. همین موضوع باعث شده که به دیگری که با این مسائل آشنا نیستند و از معارف بهره‌ی چندانی ندارند و دنبال کسب آن هم نیستند به چشم حقارت بنگرم و شاید خود را برتر از آنها بدانم و گاهی این سوال ذهنم را درگیر می‌کند که چرا خدا مرا هدایت کرده و می‌کند ولی بعضی‌ها را نه. و این که چطور عرفا با این که واقعا به مراتب بالایی دست یافته بودند دچار خود بزرگ بینی نمی‌شدند؟ ۲. چه کنیم با وجود موفقیت در امری (مثلا قبولی در کنکور) دچار غرور نشویم؟ و آن را وسیله‌ای برای پز دادن قرار ندهیم؟ ۳. وقتی خبر فوت شخصی را می‌شنویم باید برای او خوشحال شویم یا ناراحت؟ و اینکه در کتاب آشتی با خدا آورده‌اید که امام سجاد (ع) می‌فرمایند: وقتی بدن مومن را غسل می‌دهند به روح او گفته می‌شود آیا دوست داری به بدنی که در آن بودی برگردی؟ می‌گویند چه خواهیم گرفتاری و غم و اندوه را؟ منظور از مومن چه جور مومنی است؟ باید حتما در حد عرفا مثلا آیت اله بهجت باشد که چنین پاسخی بدهد یا همین که یک انسان معمولی باشد که به نماز و روزه و واجبات مقید بوده (مثل اکثر مردم) او هم دیگر طالب بازگشت به بدنش نخواهد بود؟ و اینکه در قرآن می‌فرماید: چون مرگ یکی از آنها فرا رسد گویند مرا به دنیا باز گردان که اگر برگردم عمل صالح انجام دهم پس این آیه درباره‌ی چه کسانی است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- گفت: «هر عنایت که داری ای درویش / هدیه‌ی حق بدان، نه کرده‌ی خویش!» ما چه می‌دانیم، شاید آن‌هایی که ما به ظاهر لائالی می‌دانیم حق برایشان روشن نشده است نه آن که معاند باشند ۲- چرا موفقیت‌های دنیایی را مهم بدانیم که دچار غرور شویم؟! ۳- وقتی شخص مورد اُنس ما رحلت می‌کند به جهت آن که مأنوس خود را از دست داده‌ایم اشک می‌ریزیم، نه آن که نگران آن باشیم. آری! انسان مؤمنی که شوق ارتباط با خدا را دارد در جواب ملائکه‌ای که به او می‌گویند، می‌خواهی برگردی، چه می‌خواهم دنیای غم و دردسر را؟ برعکس کافران و معاندان که التماس می‌کنند «فرجعونی لعلی اعمل صالحا» و دروغ می‌گویند. موفق باشید